سخنرانی حجت الاسلام پناهیان-محرم 98-جلسه هشتم

آخرین آمادگی برای ظهور

اصلاح مدیریت در خانواده و جامعه

وقتی یک سیاست‌مدار و مدیر جامعه، کریم نباشد و رفتارهای غیرکریمانه انجام بدهد؛ مثلاً در حرف‌هایش لودگی و شارلاتان‌بازی دربیاورد و... از آن بالا یک دومینویی آغاز می‌شود که آخرش می‌شود انواع فسادها؛ هم فساد اقتصادی، رانت‌خواری و تعطیلی کارخانه‌ها و...هم فساد فرهنگی، افزایش آمار طلاق و حتی بی‌حجابی!

طبق روایت، کسی که به خودش ظلم می‌کند، مدیر موفقی نخواهد بود

پست مدیریتی در جامعه -به‌ویژه، پست‌های کلیدی- جایگاهی است که باید افراد بسیار باظرفیت در آن حاضر بشوند؛ یعنی کسانی که اولاً خودشان کریم باشند، ثانیاً کرامت مردم را حفظ کنند. همان‌طور که بیان شد؛ در «مدیریتِ خود» هم اصل اول را باید «کرامت و عزت نفس» قرار بدهیم.

امیرالمؤمنین علیه السّلام می‌فرماید: کسی که به خودش ظلم می‌کند به دیگران هم ظلم خواهد کرد؛ نمی‌تواند به دیگران ظلم نکند. کسی که بر خودش ظلم روا می‌دارد، او حتماً به دیگران هم ظلم می‌کند. (مَنْ ظَلَمَ نَفْسَهُ کَانَ لِغَیْرِهِ أَظْلَمَ ؛ غررالحکم/8606)

کسی نگوید که «ما دنبال مدیر موفق هستیم، به بحث‌های اخلاقی چه‌کار داریم؟!» اینکه می‌گوییم «یک مدیر نباید به خودش ظلم کند» یک بحث اخلاقی نیست بلکه یک بحث مدیریتی است؛ یعنی کسی که به خودش ظلم می‌کند، مدیر موفقی نیست، چون مدیر موفق آن کسی است که به دیگران ظلم نکند.

این مسئله درواقع به تعریف‌های تخصصی در مدیریت، مربوط می‌شود، نه به مسائل اخلاقی و ارزشی. حتی بحث «تعهد و تخصص» هم دیگر قدیمی شده و دورانش گذشته است. ما الان فقط از یک مدیر، «تخصص» می‌خواهیم؛ یعنی باید در مدیریت خودش-به معنای واقعی- تخصص داشته باشد و همۀ اصول مدیریت را رعایت کند.

اینکه «مدیر باید کریمانه برخورد کند» یک بحث اخلاقی نیست؛ یک بحث مدیریتی است

کسی که خودش کریم نیست و کرامت جامعه را رعایت نمی‌کند، او مدیر موفقی نیست و نمی‌تواند جامعه را به حد مطلوب برساند؛ بحث حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی یا بحث دین‌دار و غیردین‌دار هم نیست.

یک فرمانداری گفته بود: «من چلوکباب می‌خورم، خوب هم کار می‌کنم!» اتفاقاً او فرماندار یک جایی بود که خیلی از مردم آن منطقه، به سختی می‌توانند «گوشت» تهیه کنند چه برسد به کباب! وقتی در کنار تو مردمِ محرومی وجود دارند و تو-به‌عنوان مدیر جامعه- چنین غذاهایی می‌خوری، دیگر آن عقل و هوش کافی را نداری که بخواهی قدرت برنامه‌ریزی داشته باشی؛ کارکردنِ بدون عقل و تدبیر هم به‌درد مدیریت نمی‌خورد!

وقتی به یک مدیر می‌گوییم «پرخوری و بدخوری نکن و با مردم، کریمانه برخورد کن» این یک توصیۀ اخلاقی یا یک بحث سیاسی نیست، اینها بحث‌های فنیِ مدیریت است! حتی این‌طور نیست که این موضعِ انقلابیون باشد! مگر انقلابیون چه می‌خواهند؟ مدیریتِ درست می‌خواهند، اصلاً انقلاب کرده‌اند که مدیریت درست انجام بگیرد. مدیریت درست چیست؟ اصل اولش این است که عزت و کرامت انسان رعایت بشود! علوم انسانی هم دارد قدم به قدم به این بحث کرامت نزدیک می‌شود.

اجازه ندهیم سیاست‌بازها، مسائل مدیریتی و تخصصی را به مسائل سیاسی تبدیل کنند

نباید اجازه داد برخی از سیاسیون یا سیاست‌بازها، یک مسئلۀ مدیریتی و تخصصی را، بیخودی تبدیل کنند به یک مسئلۀ سیاسی! همان‌طور که جهت بلندشدن هواپیما از روی باند فرودگاه، یک مسئلۀ تخصصی است و معنا ندارد این را به رفراندوم بگذارند، دربارۀ خیلی از مسائل تخصصی در مدیریت هم همین‌طور است. اما برخی از جهّال-که بنده آنها را به‌عنوان سیاست‌باز می‌شناسم نه سیاستمدار- خیلی از مباحث را سیاسی‌ کرده‌اند؛ درحالی که اینها مباحث فنی و مدیریتی است و پاسخش معلوم است، اینها مباحثی نیست که درباره‌اش بگویند: «چند موضع وجود دارد، بگذارید همۀ سیاسیون درباره‌اش نظر بدهند!» دربارۀ مباحث علمی و فنی، معنا ندارد که سیاسیون بخواهند نظر بدهند.

از آن احمقانه‌تر این است که بگویند «این مسئله را باید به رفراندوم بگذاریم!» درحالی‌که این یک مسئلۀ تخصصی است! آیا می‌خواهید عوام‌فریبی کنید؟! مثل این است که مردمِ یک محله‌ای رأی بدهند سرِ اینکه «چه کسی قلب این بیمار را جراحی کند؟» قلبِ بیمار را باید متخصص قلب، جراحی کند نه هر کسی که مردم به او رأی بدهند!

برخی از سیاسیون، شارلاتان‌بازی‌ در می‌آورند و یک بحث فنیِ مدیریتی را تبدیل می‌کنند به یک مسئلۀ سیاسی! برای اینکه از جامعه سواری بکشند، کارهای کثیف سیاسی می‌کنند؛ مثل دوقطبی‌کردن جامعه!

برخی بحث‌ها را باید از بین مباحث سیاسی بیرون بیاوریم و در بین مباحث فنی قرار دهیم

یکی از بحث‌های فنی مدیریت این است که «شفافیت موجب کاهش رانت‌خواری می‌شود» علوم تجربی این را گفته و علوم دینی هم به‌دلایل مختلف، این عقلانیت را می‌پذیرد.

بعضی از بحث‌ها را باید از بین بحث‌های سیاسی در بیاوریم و ببریم در بین مباحث فنی قرار بدهیم. بعضی‌ها می‌گویند «این یعنی سیاست‌زدایی از عرصۀ ادارۀ جامعه!» درحالی‌که معنایش این نیست، این یعنی سیاست‌زدایی از جایی که دانش باید درباره‌اش نظر بدهد؛ نه قدرت سیاسی. قدرت‌های سیاسی هم باید خدمتگزار دانشمندان باشند.

برای اینکه این حرف‌های دانشی در عرصۀ مدیریت شنیده نشود، بی‌بی‌سی‌چی‌های خبیث راه می‌افتند و با گروه‌بندی کردن جامعه، یک فضای پُر از خفقان در جامعه ایجاد می‌کنند. اینها خفقان روانی ایجاد می‌کنند و اصلاً نمی‌گذارند کسی صدای‌ منتقدان و حرف‌های درست آنها را بشنود.

عناصر سیاسی نباید بحث فنیِ مدیریتی را تبدیل کنند به بحث سیاسی؛ حتی نباید آن را به بحث فرهنگی و اخلاقی و دینی و عقیدتی تبدیل کنند، بحث تخصصیِ مدیریت، به دین و عقیده و ایمان چه ربطی دارد؟! اصلاً اگر ما مسلمان هم نباشیم، می‌توانیم ببینیم که «شفافیت در برخی کشورها، موجب کاهش رانت‌خواری شده است» و این ربطی به دین و ایمان آنها ندارد؛ این یک بحث مدیریتی است.

بعضی از موضوعات اصلاً سیاسی نیست؛ باید اندیشمندان جامعه کمک کنند و این بحث‌ها را از بین مباحث سیاسی بیرون بکشند و به‌صورت فنی و علمی روی آنها بحث کنند، نگذارند این بحث‌ها بیفتد دست سیاست‌بازها که با آن، مردم را فریب بدهند.

خیلی وقت‌ها در خانه، محبت را جای کرامت می‌گذارند

همان‌طور که بیان شد، اصل اول در مدیریت، حفظ کرامت است! هم رعایت کرامت و عزت نفس یک انسان، هم رعایت کرامت و عزت نفس افراد خانواده.

خیلی وقت‌ها در خانه، محبت را جای کرامت می‌گذارند. محبت، اصل دومی است که بعداً به آن خواهیم پرداخت؛ محبت را نباید جای کرامت بگذاریم. کرامت چطوری خودش را نشان می‌دهد؟ با ادب و با رعایت حقوق. محبت چطوری خودش را نشان می‌دهد؟ با گریه، دلسوزی، فداکاری، شادی از دیدار، کلمات محبت‌آمیز و...

ادب، نشان‌دهندۀ احترامی است که برای افراد قائل هستیم، افراد اولاً باید در خانواده ادب را رعایت کنند. خیلی‌وقت‌ها در خانواده، ادب را کنار می‌گذارند. مثلاً یک کسی می‌خواهد رفتار بچه‌اش را درست کند، ولی او را با بی‌ادبی بزرگ می‌کند؛ البته این بی‌ادبی، ممکن است انواع مختلفی داشته باشد. چه‌بسا مادری که به‌خاطر بچه‌اش، به پدر بی‌ادبی کند! یا چه‌بسا پدری که به هردلیلی ناراحت شده است و در مقابل بچه‌ها به مادر، بی‌ادبی می‌کند.

یک مدیر کریم، چگونه مدیریت می‌کند؟

حالا به‌سراغ مدیریت در جامعه برویم. در جلسۀ قبل، دربارۀ «مدیر بد» و مثال برجستۀ آن در قرآن-که همان فرعون است- صحبت کردیم. حالا ببینیم که اگر «کرامت» باشد، یک مدیر چگونه مدیریت می‌کند؟

در این دعای مشهور «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَةٍ کَرِیمَةٍ» از بین همۀ صفات دولت امام زمان‌ علیه السّلام صفت «کریمة» را انتخاب کرده است و این خیلی معنا دارد.

از آن زمانی که بحث بوروکراسی یا دیوان‌سالاری و بحث دربارۀ شیوۀ مدیریت یک سازمان، به‌صورت خیلی جدی مطرح شد، یک کسی مثل «ماکس وبر» آمد و حرف‌هایی زد؛ مثلاً اینکه «باید ضابطه را جای رابطه بگذاریم» جلسۀ بعد، دربارۀ اشتباه بودن این حرف و اینکه «رابطۀ انسانی نباید حذف بشود» صحبت می‌کنیم. (البته منظور ما از «روابط» همان رفیق‌بازیِ یکی دو نفر باهم یا باندبازی علیه دیگران نیست)

در دولت کریمه «تک‌تک افراد سازمان» اصل هستند، نه فقط منافع سازمان

یکی از حرف‌های ماکس این است که «اصل، منافع سازمان است و افراد باید در خدمتش قرار بگیرند» اما دین در این‌باره خیلی عقلانی‌تر حرف می‌زند و می‌گوید: «اصل، تک‌تک افراد سازمان هستند» لذا دولت کریمه به دیوان‌سالاریِ مرسوم اعتنا نمی‌کند. دولت کریمه، حتی احترام منافقین را حفظ می‌کند ولو اهداف امت اسلامی مخدوش بشود.

اگر جامعه را به مثابه یک سازمان بزرگ در نظر بگیرید و بخواهید این جامعه پیشرفت کند، دولت کریمه می‌گوید: «در جریان پیشرفت کلی جامعه، مواظب باشید بیکاری و کارتن‌خوابی زیاد نشود.» اما بعضی‌ها رسماً می‌گفتند: «ما باید جامعه را پیشرفت بدهیم ولو تعدادی هم فقیر ایجاد بشود مهم نیست؛ بعداً با بیمۀ بیکاری و... به آنها رسیدگی می‌کنیم» یعنی همان تفکرات لیبرالی که ما قبولش نداریم، بلکه می‌گوییم: «باید یک‌جوری جامعه را به قدرت اقتصادی برسانی که-با کارآفرینی و...- تک‌تک افراد جامعه یک کار و یک نقشی در جامعه پیدا کنند تا عزت نفس و کرامت‌شان حفظ شود» حالا ممکن است رعایت عزت و کرامت تک‌تک افراد با ایجاد تعاونی‌ها باشد یا با ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و شرکت‌های سهامی و بورس و...

ما نمی‌خواهیم مثل کشورهای جنوب خلیج فارس به رفاه برسیم اما ذلیلانه! الان بعضی‌ها دارند همین را تبلیغ می‌کنند. یعنی جامعه‌ای که ذلیل است و در جامعه هم افراد ذلیل، زیاد هستند اما سرمایه‌گذاری شده است و اقتصادشان ظاهراً رونق دارد؛ خاک بر سر این رونق!

دولت باید کرامت و عزت را در اقتصاد و فعالیت معیشتی مردم هم بیاورد

وقتی از «دولت کریم» صحبت می‌کنیم، یعنی این دولت باید کرامت و عزت نفس را در اقتصاد و در فعالیت معیشتی مردم هم بیاورد؛ حتی عزت روستاها باید حفظ بشود. باید به سراغ اقتصاد منطقه‌ای برویم، عزت همۀ مناطق باید حفظ بشود و نباید برخی مناطق، فدای مناطق دیگر بشوند. ولی ما الان در کشور، یک‌سری مناطق محروم داریم و یک‌سری مناطق برخوردار.

امام صادق علیه السّلام یکی از رفقایش را دید (مثلاً در حدود ساعت ده صبح بود) به او فرمود: عزتت را حفظ کن! گفت آقا عزت چیست؟ مگر طوری شده است که می‌گویید عزتت را حفظ کن؟ فرمود چرا سرِ کار نرفتی؟ «یَا عَبْدَاللَّهِ احْفَظْ عِزَّکَ قَالَ وَ مَا عِزِّی جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ غُدُوُّکَ إِلَى سُوقِکَ وَ إِکْرَامُکَ نَفْسَک‏» (تهذیب‌الاحکام/ج7/ص4) یعنی همین‌که سرِ کار می‌روی، درواقع داری خودت را اکرام می‌کنی.

در روایت دیگری، امام‌صادق علیه السّلام به یکی از دوستانش می‌فرماید: چرا عزت خودت را حفظ نکردی؟ چرا امروز می‌بینم که سراغ عزت خودت نرفته‌ای؟ گفت: منظورتان چیست؟ فرمود: چرا نرفتی سرِ کار؟ گفت: امروز در یک تشییع جنازه شرکت کرده بودم... (مَا لِی أَرَاکَ تَرَکْتَ غُدُوَّکَ إِلَى عِزِّکَ قَالَ جَنَازَةٌ أَرَدْتُ أَنْ أَحْضَرَهَا قَالَ فَلَا تَدَعِ الرَّوَاحَ إِلَى عِزِّک؛ تهذیب‌الاحکام/ج7/ص4) این کلام حضرت نشان می‌دهد که سرِ کار رفتن، مساوی است با عزت و کرامت.

دولتی که زمینۀ کار را فراهم می‌کند، دارد به مردم عزت می‌دهد/ دولت کریم، به «کارآفرینی» بها می‌دهد

دولتی که کار تولید می‌کند و زمینۀ کار را برای مردم فراهم می‌کند، او دارد عزت مردم را پدید می‌آورد. حالا این روش، از نظر اقتصادی به‌صرفه هست یا نه؟ رسماً بعضی از اقتصاددان‌ها می‌گویند: «خودت را معطلِ مردم نکن! اگر شده با سرمایه‌گذاری خارجی و کارخانه‌های بزرگ و... جامعه را باید پولدار کنی و بعدش از صدقه‌سرِ اینها، به بقیۀ مردم هم یک‌چیزی می‌رسد، مثلاً با انواع بیمه‌های بیکاری و...» این‌جور افکار ممکن است بعضی وقت‌ها مردم را قلقلک بدهد و بعضی‌ها بگویند: «خُب اینکه بد نیست! یک پولی هم به ما بدهند، بقیه‌اش مهم نیست!»

ما که از تولید ثروت صحبت می‌کردیم، منظورمان تولید ثروت به اضافۀ کرامت و عزت انسان‌ها است، نه اینکه ثروتِ بادآورده به‌دست بیاوریم و بیکار باشیم! دولت کریم، دولتی است که به «کارآفرینی» بها بدهد و خدمتگزار افراد کارآفرین باشد.

چرا کشور ما در سختیِ ایجاد کسب و کار، باید جزو سخت‌ترین کشورها باشد؟!

چرا کشور ما در سختیِ ایجاد کسب و کار، باید جزو سخت‌ترین کشورها باشد؟ این یعنی کرامت نیست. مجلس برای این منظور، چه‌کار کرده است؟

خیلی‌ها دغدغۀ اصلی‌شان این است که مدیران جامعه، دزد نباشند، اما دغدغۀ بنده این است که مدیران جامعه، بی‌عرضه نباشند. هم مدیران دزد باید محاکمه شوند، هم مدیرانی که برای مردم، درست کار نمی‌کنند.

در مدیریت جامعه، یک معنای کرامت این است که «شغل ایجاد بشود» و همان‌طور که رهبر انقلاب فرمود: اقتصاد مقاومتی شرطش این است که مردم در آن مشارکت فعال داشته باشند. شاید برای اینکه این اتفاق بیفتد، باید در بانک‌ها یک تحولی پیدا بشود و بانک‌ها باید صرفاً بنگاه نگهداری پول باشند؛ مثل خیلی از کشورهای دیگر.

چه موانعی بر سرِ راه ایجاد شغل، سرمایه‌گذاری و تعاونی‌ها وجود دارد؟

الان بعضی‌ها پول خودشان را در بانک می‌گذارند و در سال، مقداری سود می‌گیرند. حالا اگر این فرد بخواهد با پول خودش یک کارخانه‌ای راه بیندازد(مثلاً به همراه دوستانش) چه موانعی سر راهش هست؟ یکی اینکه به دوستانش اعتماد نمی‌کند که سرمایه‌های خودشان را جمع کنند و کارخانه بزنند. حتی خیلی از مذهبی‌ها هم در این زمینه، به همدیگر اعتماد نمی‌کنند.

دوم اینکه دولت نمی‌آید از این سرمایه‌ها حمایت کند. مثلاً ما یک‌سری سازوکار قانونی نداریم که از تعاونی‌های حقیقی حمایت بشود، یعنی این‌طور نیست که مردم بگویند: «اگر من پولم را در یک تعاونی بگذارم و شکست بخورم، دولت جبران می‌کند» الان دولت چه‌کار می‌کند؟ مثلاً یک کسی از بانک وام گرفته و از خارج، خودرو وارد کرده است، ولی الان می‌گوید «ندارم که پول را به بانک برگردانم!» دولت هم می‌گوید: «خُب ندارد دیگر! باید صبر کنیم» ما می‌گوییم: همین صبر را برای قرضی که چهارتا تعاونی گرفته‌اند و الان دچار مشکل شده‌اند، انجام می‌دادید، نه برای پس‌گرفتن پولی که صرف واردات خودرو می‌شود.

«رشد اقتصادی پایدار» وقتی است که عزت اقتصادیِ تک تک افراد رعایت بشود

رشد اقتصادی پایدار وقتی است که عزت اقتصادیِ تک تک افراد رعایت بشود، در این صورت، ببینید مدیران جامعه چه روحیه‌ای باید پیدا کنند؟ نمایندگان مجلس چه روحیه‌ای باید داشته باشند؟

الان بعضی از کارخانه‌های دولتی-که دارند ضرر می‌دهند- بناست به فروش گذاشته بشوند، ولی مثلاً در برخی موارد می‌گویند «نمایندۀ مجلس نمی‌گذارد» می‌گوییم: «چرا نمی‌گذارد؟ اینکه خوب است؛ شهرش آباد می‌شود، چون بخش خصوصی حتماً کارخانه را بهتر اداره می‌کند» می‌گویند: فلان نماینده نمی‌گذارد، چون اگر این کارخانه دولتی باشد، آن نماینده تعدادی از آدم‌های خودش را وارد این کارخانه می‌کند و... اگر این کارخانه خصوصی بشود، رانت‌خواری‌هایش را چطوری انجام بدهد؟ او دارد نفوذ اجتماعی‌اش را از طریق این کارخانۀ دولتی انجام می‌دهد، لذا اجازه نمی‌دهد که خصوصی بشود.

این‌گونه افراد، شخصیتاً کریم نیستند و به درد مدیریت نمی‌خورند. یک مدیر خوب، باید چه روحیه‌ای و چه شخصیتی داشته باشد؟ یکی اینکه مثل داور در زمین فوتبال باشد، دوم اینکه مثل مربی برای تیم فوتبال باشد، سوم اینکه مثل مدیر پشتیبانی‌کنندۀ تیم باشد. هیچ‌کدام از اینها خودشان گل نمی‌زنند، بلکه بچه‌ها را پرورش می‌دهند و پشتیبانی می‌کنند تا بچه‌ها بتوانند گل بزنند. یک فرماندار، یک استاندار، یک نمایندۀ مجلس و یک وزیر هم باید این‌طوری باشند. این یک روحیه و یک رویه است!

هر مشکلی می‌بینیم ناشی از بی‌شخصیتی برخی از مدیران مملکت است

برخی از کارخانه‌دارها می‌گویند: «دولت می‌گوید که ما برای هرچیزی ارز نمی‌دهیم، فقط برای وارداتِ ضروری می‌دهیم تا کارِ کارخانه‌ها راه بیفتد» اما وقتی برای همان واردات ضروری می‌رویم در صفِ گرفتن ارز قرار می‌گیریم، موانع زیادی سرِ راه ما قرار می‌گیرد و می‌بینیم که با دلال‌ها سر و کار داریم و باید ارز را-از دلال‌ها- بخریم که گران‌تر است و...

دولتمرد باید مثل یک پدر دلسوز باشد، باید مأمور بگذارد که ببیند مشکل کارخانه‌دارها چیست؟ خود دولت باید برود دنبال کارخانه‌دارها و ببیند نیازهای ضروری آنها چیست؟ باید به مشکلات آنها رسیدگی کند. اما چه شخصیت‌هایی باید این کار را بکنند؟

هر مشکلی می‌بینید مال بی‌شخصیتی برخی از مدیران مملکت است، واقعاً مشکلات مملکت ما قابل حل است و کارخانه‌های‌مان قابل توسعه است. ما خودمان می‌توانیم رونق اقتصادی ایجاد کنیم و این ربطی به تحریم‌ها ندارد؛ اما چه چیزی لازم دارد؟ شخصیت کریمانۀ مدیریت اجرایی کشور را لازم دارد.

سرِ نخ انتخاب «مدیران کریم» دست مردم است؛ هم برای دولت و هم برای مجلس

حالا مدیران کریم، از کجا به‌دست می‌آیند؟ یک سرِ نخش دست مردم است. نماینده‌های مجلسی انتخاب کنید که باشخصیت باشند؛ هم خودشان اهل کرامت باشند و هم رعایت‌کنندۀ کرامت مردم باشند. سر نخ دیگرش هم باز در دست مردم است؛ رئیس‌جمهورِ کریم، اهل کرامت و تأمین‌کنندۀ کرامت مردم انتخاب کنید. هر سیاستمداری که در گفتارش شارلاتان‌بازی در بیاورد، کریم نیست.

وقتی سیاستمدار، یک رفتار غیرکریمانه و فرعون‌مسلکانه انجام بدهد، از آن بالا یک دومینویی آغاز می‌شود که آخرش می‌شود فساد، رشوه، رانت و حتی فساد فرهنگی و حتی بی‌حجابی! برای مذهبی‌ها و حوزۀ علمیه متأسف هستم که بعضاً از رفتار غیرکریمانۀ مدیران جامعه (که عامل بسیاری از مشکلات و فسادهاست) انتقاد نمی‌کنند و صرفاً به بی‌حجابی کف خیابان اعتراض می‌کنند.

چرا برخی علما با مشروطه مخالف بودند؟ چون راه حضور شارلاتان‌های نفوذیِ انگلیس را به ادارۀ کشور باز می‌کرد

آقای بهجت(ره) می‌فرماید: بعضی‌ها عجب هوشی دارند، عجب آینده‌نگری‌ای دارند! تا «مشروطه» مطرح شد، گفتند: اینها می‌خواهند مملکت را بی‌حجاب کنند! درحالی‌که مشروطه، اصلاً ربطی به حجاب نداشت؛ اما برخی از علمای آن دوره، این را گفته بودند و دیدید که چند سال بعد از مشروطه، رضاخان آمد و بی‌حجابی را رواج داد. آقای بهجت(ره) این مطلب را چندبار با تعابیر مختلف بیان کرده و می‌فرماید که آن علما، چطوری این را فهمیده بودند؟

و البته «مشروطه» از یک جهاتی خوب است، بالاخره یک‌عده‌ای انتخاب می‌شوند و به مجلس می‌روند و قانون اساسی نوشته می‌شود و پادشاهی مشروط می‌شود، یعنی به‌ظاهر چیز خوبی است، پس چرا آن علما، به مشروطه ایراد گرفته بودند؟ چون مشروطه راه حضورِ شارلاتان‌های سیاسی و نفوذی‌های انگلیس را در ادارۀ کشور باز می‌کند، لذا آخرش یعنی فساد!

آیت‌الله بهجت(ره) یک مثال دیگر هم در این‌باره مطرح می‌کند و می‌فرماید: تا مشروطه را خواستند شروع کنند، شیخ‌فضل‌‌الله نوری فرمود: اینها آخوندها را از بین می‌برند! به ایشان گفتند: مشروطه را خودِ آخوندها امضا کردند؛ مثل آخوند خراسانی! آقای بهجت(ره) می‌فرماید: شیخ‌فضل‌الله نوری باهوش بود و درست متوجه شده بود. چند سال بعد شروع کردند یکی‌یکی اعدام کردند و از خود شیخ‌فضل‌الله نوری هم شروع کردند!

اگر سیاسیون، کریمانه برخورد نکنند، دومینوی فساد در جامعه آغاز می‌شود

سیاسیون و مدیران جامعه باید «کریم» باشد؛ حالا شاخصِ این کریم‌بودن را در اصل بعدی مدیریت بیان خواهیم کرد. اگر یک سیاسی، کریم نباشد و کریمانه برخورد نکند، مثلاً در صحبت‌هایش چرت و پرت بگوید، لودگی و مسخره‌بازی دربیاورد و... یک دومینویی شروع می‌شود که فساد اقتصادی و تعطیلی کارخانه‌ها یکی از آنها است! یکی دیگر این است که آمار طلاق افزایش پیدا می‌کند! اما فهمیدن ارتباط این چیز‌ها با هم، نیاز به فهم عمیق دارد.

امیرالمؤمنین علیه السّلام در عهدنامۀ مالک اشتر می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا عِمَادُ الدِّینِ وَ جِمَاعُ الْمُسْلِمِینَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ» (نهج‌البلاغه/نامه53) ستون دین، قدرت امت اسلامی و قدرت اسلام، همین مردم عادی کوچه و بازار هستند، «فَلْیَکُنْ صِغْوُکَ لَهُمْ وَ مَیْلُکَ مَعَهُمْ» پس دلت با اینها باشد «وَ لْیَکُنْ أَبْعَدَ رَعِیَّتِکَ مِنْکَ وَ أَشْنَأَهُمْ عِنْدَکَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَایِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِی النَّاسِ عُیُوباً الْوَالِی أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَکْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْکَ مِنْهَا» دورترین آدم از تو چه کسی باشد؟ تو به عنوان مدیر، باید از چه کسی بیشتر از همه بدت بیاید؟ از کسی که عیب مردم را پیش تو می‌گوید! البته همین مردمی که عمود خیمۀ دین هستند و عماد و تکیه‌گاه دین هستند، یک عیب‌هایی هم دارند اما چه کسی باید عیب‌های مردم را بپوشاند؟ والیِ جامعه، باید عیب‌ها را بپوشاند، نباید این عیب‌ها را آشکار کنی!

بعد می‌فرماید: «فَإِنَّمَا عَلَیْکَ تَطْهِیرُ مَا ظَهَرَ لَکَ» هرچیزی از این عیب‌ها برایت ظاهر شد، تو بپوشان! (حالا این سؤال پیش می‌آید: خُب اگر این عیب‌ها از من پنهان شد که زیرآب من را می‌زنند!) اگر یک کاری کردی که دیگر هیچ‌کسی پیش تو عیب نمی‌گوید و از بس کریمانه برخورد کردی، زبان چربِ عیب‌جویان و عیب‌گویان را بریدی، در این‌صورت، طبیعتاً یک چیزهایی از تو مخفی می‌ماند! ولی می‌فرماید: «وَ اللَّهُ یَحْکُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْکَ» آنها را به خدا بسپار، خدا خودش با آنها برخورد می‌کند.

پیامبر(ص): می‌توانستم منافقین را به شما معرفی کنم، اما کریمانه برخورد کردم!

رسول خدا(ص) در خطبۀ غدیر، صدا زد: «سَأَلْتُ جَبْرَئِیلَ أَنْ یَسْتَعْفِیَ لِی عَنْ تَبْلِیغِ ذَلِکَ إِلَیْکُمْ أَیُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِی بِقِلَّةِ الْمُتَّقِینَ وَ کَثْرَةِ الْمُنَافِقِینَ وَ إِدْغَالِ الْآثِمِینَ وَ خَتْلِ الْمُسْتَهْزِءِینَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِینَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ» (احتجاج/1/59) من از جبرئیل خواستم که من را معاف کند از اینکه ولایت علی‌بن‌ابیطالب علیه السّلام را به شما معرفی کنم؛ به‌خاطر کثرتِ منافقین و قلّت متقین. و بعد می‌فرماید: یک آدم‌هایی هستند که نمی‌گذارند علی علیه السّلام بر مسند بنشیند.

و بعد می‌فرماید: «وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّیَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّیْتُ- وَ أَنْ أُومِیَ إِلَیْهِمْ بِأَعْیَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَ أَنْ أَدُلَّ عَلَیْهِمْ لَدَلَلْتُ وَ لَکِنِّی وَ اللَّهِ فِی أُمُورِهِمْ قَدْ تَکَرَّمْتُ» من اگر می‌خواستم، می‌توانستم همین الان در بین جمعیت، نشان بدهم چه کسانی منافق هستند و اگر می‌خواستم، همین الان دلیلش را هم می‌گفتم و روشن می‌کردم چه کسی منافق است. اما به خدا، من کریمانه برخورد کردم!

رئیس‌جمهور ما در انتخابات و بعد از انتخابات کریمانه برخورد نکرد!

رئیس‌جمهور ما در انتخابات و بعد از انتخابات کریمانه برخورد نکرد! ایشان نه‌تنها به دو قطبی‌سازی که روش فرعون‌چه‌ها است اقدام کرد و نه‌تنها سعی کرد عیوب را آشکار بکند، یک کار بزرگ‌تر هم انجام داد؛ تهمت هم زد! گفت: «اینها می‌خواهند دیوار بکشند» درحالی‌که کسی نمی‌خواست دیوار بکشد. او تمسخر هم کرد؛ درحالی‌که آدم کریم هیچ‌وقت مسخره نمی‌کند! با این برخوردهای غیرکریمانه، اقتصاد مملکت درست نمی‌شود، فرهنگ هم درست نخواهد شد، رانت‌خواری هم زیاد می‌شود! شورای نگهبانی هم نداریم که مثل داور فوتبال، وسط زمین کارت قرمز بدهد، نمی‌دانم قانونش را نداریم یا اینکه اجرا نمی‌کنیم؟

بعضی‌ها هم به عنوان حزب‌اللهی‌گری کریمانه برخورد نمی‌کنند. بنا نیست ما به روش غیرکریمانه، دزد بگیریم! اگر این‌طور بود که اصلاح امور زیاد سخت نبود و مسئله این‌قدر کش پیدا نمی‌کرد!

أمیرالمؤمنین علیه السّلام هم اگر می‌خواست کریمانه برخورد نکند که راحت می‌توانست اوضاع را درست کند! حضرت می‌فرماید: «وَ لَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ الَّذِی یُصْلِحُکُمْ هُوَ السَّیْفُ» (ارشاد مفید/1/281) من می‌دانم آن چیزی که شما را درست می‌کند شمشیر است! (البته نه اینکه همۀ مردم را با شمشیر بزند، بلکه کافی بود، چند نفر را گردن بزند) بعد می‌فرماید: «وَ مَا کُنْتُ مُتَحَرِّیاً صَلَاحَکُمْ بِفَسَادِ نَفْسِی» من خودم را فاسد نمی‌کند برای اینکه بخواهم شما را درست کنم. «وَ لَکِنْ سَیُسَلَّطُ عَلَیْکُمْ بعْدِی سُلْطَانٌ صَعْبٌ لَا یُوَقِّرُ کَبِیرَکُمْ وَ لَا یَرْحَمُ صَغِیرَکُمْ وَ لَا یُکْرِمُ عَالِمَکُمْ» ولی به این زودی‌ها یک‌کسانی بر شما مسلط خواهند شد که احترام و کرامت شما را رعایت نمی‌کنند و آن‌وقت خواهید دید چطور با زور شمشیر بر شما حکومت می‌کنند...

الان برخی فرعون‌چه‌ها با «عملیات روانی» زورگویی می‌کنند

الان ما فرعون‌چه‌ای نداریم که بخواهد با شمشیر، زور بگوید، اما فرعون‌چه‌هایی داریم که با جنگ روانی این کار را بکنند. اگر عملیات روانی در یک سیاست‌مدار دیدید، بدانید که او فرد پلیدی است! حالا چرا این‌قدر به موضوع «زبان» اهمیت می‌دهیم؟ یک آیه‌ای در قرآن داریم که می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلاً سَدیداً» (احزاب/70) ای کسانی که ایمان دارید تقوای الهی را داشته باشید و درست حرف بزنید! گفته می‌شود که رسول خدا(ص) هر جمعه این آیۀ قرآن را در خطبۀ نماز جمعه بیان می‌کردند؛ یعنی در حاکمیت اسلامی این آیۀ قرآن، آیۀ کلیدی و مهمی است.

اگر رعایت کرامت و عزت نفس را در ادارۀ جامعه ادامه بدهیم، هم صحنۀ سیاسی قشنگ می‌شود، هم ادبیات و رفتار سیاسیون، درست می‌شود، نحوۀ کارآفرینی کردن برای جوان‌ها هم عالی خواهد شد. چند سال است که رهبر انقلاب در هفتۀ دولت، وقتی هیئت دولت نزد ایشان می‌روند، پدرانه و مشفقانه به آنها تأکید می‌کنند: «کارآفرین‌ها را تشویق کنید»

شخصیت یک مدیر در جامعۀ اسلامی ، شخصیت ویژه‌ای است؛ این مدیر خیلی به شخصیت تک تک افراد جامعه احترام می‌گذارد، به‌حدی که رسول‌الله الاعظم(ص) می‌نشست و با آدم‌های بی‌مقدار گفتگو می‌کرد و هیچ‌کدام از آنها را مسخره نمی‌کرد، درحالی‌که منافقین و مخالفینِ حضرت هم در بین آنها بودند، این‌قدر به آنها احترام می‌گذاشت که دیگران اصلاً فکر نمی‌کردند این فرد، عیبی هم دارد. شیوۀ حضرت این‌طور بود که اگر کسی یک عیبی دارد (یک مرضی در قلبش هست) خود مردم باید بفهمند و او را بشناسند.

کسی که در انتخابات، عزت رقیبش را حفظ نکند، شایستۀ مدیریت نیست و باید کنار برود

شیوۀ رسول‌خدا(ص) آن‌طور بود، ولی متاسفانه در جامعۀ ما، اگر یک عیبی در کسی ببینند، چه‌کار می‌کنند؟ اگر رهایشان کنید، سر همدیگر را می‌کَنند و رسانه‌های خبیث بی‌بی‌سی‌چی، اصلاً این را جزو کار حرفه‌ای و رسانه‌ای خود می‌دانند! می‌گویند: این شیوۀ کار حرفه‌ای در رسانه است! یعنی این را حرفه‌ای‌گری می‌دانند و کسی هم نهی از منکر نمی‌کند! بعضی‌ها هم به عنوان حزب‌اللهی‌گری می‌آیند از همین روش‌ها استفاده می‌کنند.

اینها اصول مدیریت است، مدیریت باید کریمانه باشد و باید عزت آدم‌ها را حفظ کند. اگر در انتخابات دیدید کسی عزت رقیبش را حفظ نکرد، چنین کسی شایسته نیست و باید کنار برود و از عرصۀ رقابت، حذف بشود.